

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الی لیک-Eli Lake

برگردان از: آمادور نویدی

۰۳ سپتمبر ۲۰۱۶

چرا اوپاما جلو شکست انقلاب سبز ایران را نگرفت



اوپاما نه تنها علاقه ای به همبستگی با مردم ایران در سال ۲۰۰۹ نداشت و نشان هم نداد، بلکه از آن می ترسید که تظاهرات باعث تخریب گسترش روابط مخفی او با ایران شود... اوپاما از ابتدای ریاست جمهوری خود سعی کرد تا روحانیون حاکم کشور را از دشمن به دوست تبدیل کند. این امر برای اوپاما یک عقده شده بود. حتی اگرچه رئیس جمهور در پایان دوره اول و شروع دوره دوم ریاست خود چندین تحریم شدید علیه اقتصاد ایران تحمیل کرد، اما اوپاما از آغاز ریاست جمهوری خود روشن ساخت که امریکا به دنبال تغییر رژیم در ایران نیست... شانس برای یک نتیجه بهتر وجود داشت. اگرچه برای زمانی که ایرانیان علیه نتیجه انتخاباتی در خیابان ها تظاهرات کردند هیچ تضمینی وجود ندارد که مداخله اوپاما می توانست خامنه ای را در سال ۲۰۰۹ سرنگون کند، ولی رئیس جمهور امریکا حتی نگفت که انتخابات به سرعت رفته است. اما ارزش امتحان را داشت. تصور کنید اگر آن قیام موفق شده بود. شاید بعد از آن می شد با یک توافق هسته ای، صلح واقعی به ارمغان آورد. در عوض، اوپاما ریاست جمهوری خود را صرف سوء تفاهم با دیکتاتور ایران، رهبری کرد که شهروندانش برای تغییر رژیمی تلاش کردند که آنها را تا به امروز سرکوب می کند، ولی امریکا هیچ کمکی نکرد.

چرا اوپاما اجازه داد انقلاب سبز ایران شکست بخورد

یکی از بزرگترین فرض‌های دوران ریاست جمهوری بارک اوپاما، شورش ایرانیان پس از اعلام محمود احمدی نژاد به عنوان برندهٔ انتخاب ریاست جمهوری ۱۲ جون سال ۲۰۰۹ است. اگر زمانی که رژیم در حال تلو تلو خوردن بود رئیس‌جمهور بیشتر به تظاهر کنندگان کمک می‌کرد چه اتفاقی می‌افتاد؟

برای همه روشن است که واکنش او آهسته بود. اوپاما در ابتداء علناً چشم انداز واقعی را کم اهمیت جلوه داد، و گفت: «کاندیداهائی که صدها هزار ایرانی برای حمایت از آنها جان خود را به خطر می‌اندازند، نشان دهندهٔ تغییرات اساسی نیستند.» و زمانی که بالاخره لب به سخن گشود، نتوانست بگوید که انتخابات دزدیده شده است: «جهان نگاه می‌کند و از مشارکت/تظاهرات آنها الهام می‌گیرد، صرف نظر از این که نتیجه نهائی انتخابات چه باشد.» (۱)

اما اوپاما نه تنها علاقه‌ای به همبستگی با مردم ایران در سال ۲۰۰۹ نداشت و نشان هم نداد، بلکه از آن می‌ترسید که تظاهرات باعث تخریب گسترش روابط مخفی او با ایران شود. **جی سولومون** خبرنگار روزنامهٔ وال استریت، در کتاب جدید خود، «جنگ‌های ایران» (۲) نشان می‌دهد که اوپاما برای جلوگیری از کمک به جنبش سبز ایران تا چه اندازه پیش رفته است. اوپاما در پشت پرده پیشنهادات مشاوران خود را که می‌خواستند همان کاری را بکنند که امریکا برای گذار مشابه از دیکتاتوری به دموکراسی انجام داده و اشاره به حمایت امریکا داشت، را نپذیرفت.

سولومون گزارش می‌دهد که اوپاما به سیا دستور می‌دهد تا ارتباطاتی را که با حامیان جنبش سبز دارد قطع کند. سولومون می‌نویسد: «آژانس برای حمایت از قیام‌های دموکراتیک در هر جای جهان طرح‌های احتمالی دارد. این شامل ارتباطات، پول، و در نهایت حتی ارائهٔ سلاح به مخالفان است.» «اما در این مورد کاخ سفید دستور داد تا کاری نکنند.»

در آن زمان سولومون گزارش داد، دستیاران اوپاما پیام‌های متفاوتی دریافت کردند. ایرانیان خارج کشور می‌خواستند که اوپاما از قیام حمایت کند. مخالفان ایرانی داخل کشور گفتند که چنین حمایتی یعنی بوسهٔ مرگ. در پایان، اوپاما هیچ کاری نکرد، ولی به هر حال رهبر ایران او را در دامن زدن به قیام متهم ساخت.

ارزش دارد که پاسخ متضاد اوپاما را با چگونگی واکنش امریکا نسبت به دیگر قیام‌های دموکراتیک نشان دهیم. برای مثال وزارت امور خارجه از طریق سفارت امریکا در مجارستان، برای آموزش فعالان صرب در مقاومت غیرخشونت آمیز علیه دیکتاتور خود، اسلو بودان میلوسویچ، برنامه‌ای را در سال ۲۰۰۰ رهبری کرد. میلوسویچ، نیز، مخالفان خود را متهم می‌کرد که دست‌نشاندهٔ دولت امریکا هستند. اما مردم در پایان، دیکتاتور را مجبور به برکناری از قدرت کردند.

به همین صورت، زمانی که رئیس‌جمهور گرجستان ادوارد شوارندادزه در سال ۲۰۰۳، پس از تقلب انتخاباتی با اعتراضات مردمی روبه‌رو شد، جورج دبلیو بوش، جیمز بیکر را اعزام کرد تا با اصرار او را به طور مسالمت آمیز برکنار کند، که کرد. حتی دولت اوپاما برای قیام‌های مردمی در مصر در سال ۲۰۱۱ و اوکراین در سال ۲۰۱۴ حمایت دیپلماتیک و معنوی ارائه داد.

ولی در مورد ایران قضیه بسیار متفاوت است. اوپاما از ابتدای ریاست جمهوری خود سعی کرد تا روحانیون حاکم کشور را از دشمن به دوست تبدیل کند. این امر برای اوپاما یک عقده شده بود. حتی اگرچه رئیس‌جمهور در پایان دورهٔ اول و شروع دورهٔ دوم ریاست خود چندین تحریم شدید علیه اقتصاد ایران تحمیل کرد، اما اوپاما از آغاز ریاست جمهوری خود روشن ساخت که امریکا به دنبال تغییر رژیم در ایران نیست.

این قابل بحث است که آیا آمریکا از چنین سیاستی تاکنون حمایت کرده است. اما زمانی که اوپاما برای اثبات حرف خود به کار گرفت، قابل توجه است. اوپاما به برنامه های آمریکا جهت مستند کردن نقض حقوق بشر در ایران پایان داد. او به رهبر ایران آیت الله خامنه ای نامه های خصوصی نوشت و او را مطمئن ساخت که آمریکا برای سرنگونی او تلاش نمی کند. اوپاما در اظهارات خود به مناسبت جشن سالانه نوزدهم بارها در احترام به رژیم تأکید کرد. به نظر می رسد که تلاش اوپاما برای تعامل با ملاها در تصمیم گیری او در مسائل دیگر نیز تأثیر گذاشته است. سولومون گزارش می دهد، زمانی که او از خط قرمز خود علیه سوریه در استفاده از سلاحهای کیمیاوی در سال ۲۰۱۳ کنار کشید، هر دو مقامات آمریکا و ایرانی به او گفته بودند که اگر علیه بشار اسد مداخله کند، مذاکرات هسته ئی متوقف می شود.

اوپاما در نهایت به معامله هسته ئی با ایران رسید. کتاب سولومون با گزارش جزئیات آن دیپلماسی که منجر به توافق سال ۲۰۱۵ شد، می درخشد. دیپلمات های امریکائی دو گروه مذاکره کننده با ایران داشتند - یکی کانال عمومی با بریتانیا، چین، اتحادیه اروپا، فرانسه، آلمان و روسیه (۵+۱) و ملل متحد - و دیگری، مسیر دوجانبه ای که از طریق سلطان عمان ایجاد شده بود. در سال ۲۰۱۳، مقامات امریکائی بدون این که به شرکای مذاکره کننده درباره کانال مخفی سابق خود با ایران چیزی بگویند، در اتوبوس های عمومی بین دو هتل در ژنیو برای اداره هر دو مسیر، رفت و شد می کردند.

سرانجام، ایرانی ها نمایندگان امریکائی را از پا در آوردند. در ابتدای مذاکرات سال ۲۰۱۳، موضع آمریکا از بین بردن اکثر زیرساخت هسته ئی ایران بود. در پایان مذاکرات در سال ۲۰۱۵، وزیر امور خارجه جان کری و تیم او «موافقت» کرد که ایران بعداً بتواند اجازه داشته باشد، با صدها هزار ماشین، پس از یک دوره ده ساله خویشتن داری، برنامه هسته ئی در مقیاس صنعتی بسازد.

خط قرمز دیگر آمریکا نیز تخریب شد. معامله نهائی به ملل متحد اجازه می داد که توسعه راکتی ایران را پس از ۸ سال ممنوع کند و تحریم تسلیحاتی علیه ایران پس از پنج سال به پایان برسد. حتی اگرچه نمونه های جمع آوری شده ایرانیان در تأسیسات پارچین خود شواهد اورانیوم ساخت انسان را پیدا کرد، اما ضروری نبود که ایران قبول کند برای توسعه سلاح هسته ای تلاش کرده است.

در یک مورد نقل قول آشکار، سولومون طرز تفکر جان کری را به دست می دهد که در جزئیات مذاکرات در معامله ماه های پایانی درگیر بود. کری به سولومون در یک مصاحبه در سال ۲۰۱۶ گفت: «جنگهای زیادی به دلیل سوء تفاهم، برداشتهای غلط، عدم دیپلماسی مؤثر به وقوع پیوسته است»، «جنگ شکست دیپلماسی است».

دیپلماسی کری موفق شد. اما با این وجود خاورمیانه را جنگ فرا گرفت. سولومون در فصل پایانی کتاب خود می نویسد: «سپاه پاسداران به توسعه سیستمهای پیچیده افزوده است، از جمله راکت های قاره پیمای با نوشته ای بر روی نوک آنها که اسرائیل را تهدید می کند». «خامنه ای و دیگر رهبران انقلابی، در این اثباتی، با حملات لفظی خود علیه آمریکا ادامه می دهند، به نظر می رسد که تهدید آمریکا وجود آنها را توجیه می کند».

شانس برای یک نتیجه بهتر وجود داشت. اگرچه برای زمانی که ایرانیان علیه نتیجه انتخاباتی در خیابان ها تظاهرات کردند هیچ تضمینی وجود ندارد که مداخله اوپاما می توانست خامنه ای را در سال ۲۰۰۹ سرنگون کند، ولی رئیس جمهور آمریکا حتی نگفت که انتخابات به سرقت رفته است. اما ارزش امتحان را داشت. تصور کنید اگر آن قیام موفق شده بود. شاید بعد از آن می شد با یک توافق هسته ئی، صلح واقعی به ارمغان آورد. در عوض، اوپاما ریاست

جمهوری خود را صرف سوء تفاهم با دیکتاتور ایران، رهبری کرد که شهروندانش برای تغییر رژیم تلاش کردند که آنها را تا به امروز سرکوب می کند، ولی امریکا هیچ کمکی نکرد.

برگردانده شده از:

Why Obama Let Iran's Green Revolution Fail

<https://www.bloomberg.com/view/articles/2016-08-24/why-obama-let-iran-s-green-revolution-fail>

منابع:

– (۱)

<http://www.politifact.com/truth-o-meter/statements/2012/oct/23/mitt-romney/mitt-romney-says-obama-was-silent-about-protests-a/>

– (۲)

<http://www.penguinrandomhouse.com/books/220689/the-iran-wars-by-jay-solomon/9780812993646>